

## توصیه‌هایی برای

# تغییر ساختار بانکها

مجتبی کردنوری

در مقطعی که در هر لحظه شاهد تحولات جدیدی در صنعت بانکداری دنیاییم و جدا از محققان و کارشناسان بانکی، سازمان‌های متخصص غیررسمی متعددی از قبیل کمیته بال هم مستمراً اقدام به ارائه استانداردهای نظارتی گسترده در بخش بانکداری می‌نمایند و بهترین شیوه‌های عمل در زمینه‌های مختلف را به صورت توصیه منتشر می‌کنند و در اختیار بانکها می‌گذارند، ما همچنان در لایه‌های یک قانون ۲۷ساله، با مشکلات و موانع بیشمارش که بارها و بارها همگان بر آن اذعان نموده‌اند، تنیده‌ایم.

از اهم مشکلات عدیده‌ای که بر سیستم بانکی مستولی است، می‌توان به این مورد اشاره داشت که بانکهای دولتی عملاً فاقد هیات‌مدیره، صرفاً به وسیله هیات‌های عامل، مجری احکام جبری اتفاقات و جریانات روزمره بانک‌اند و تعیین اهداف بانکها و برنامه‌ریزی برای دستیابی بدان‌ها را که از عمده وظایف هیات‌مدیره است، دیگران از قبیل بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی برعهده گرفته‌اند، که مخاطبان مجله بانک و اقتصاد حداقل به کم‌وکیف امر و توان تخصصی آنان واقفند و نمونه اخیر آن هم پیاده‌سازی روش تعهدی‌کردن حساب‌های عقود در عملکرد سال ۸۳ بانکها بود. لذا بار دیگر پیشنهاد می‌شود که از فرصتی که قانون چهارم در این زمینه به‌وجود آورده، حداکثر استفاده به‌عمل آید و بانکها از حداکثر توان تخصصی در ارائه تغییر ساختاری کارا برای بانکداری بسیج شوند. در این رابطه نکات زیر قابل توصیه است:

\* در اهداف بانک، علاوه بر کسب بازده اقتصادی مطلوب، درستی عملیات روزمره، حمایت از منافع سپرده‌گذاران و ایمنی قوانین و مقررات در فعالیت‌ها و رفتار بانک درمناظر قرار گیرد.

\* در این تغییر ساختار، نحوه نیل به اهداف و نظارت بر عملکرد بانک از نظر مخفی نماند، به نحوی که عملکردها بیشترین انطباق را با سیاست‌ها داشته باشند.

\* در این نظام، مسوولان بانک باید نسبت به وظایف و مسوولیت‌ها و اختیاراتشان آگاه شوند و میزان پاسخگویی هریک از آنان نیز مشخص شود.

\* راهکار این ساختار پیشنهادی باید تسریع لازم در پیاده‌کردن روش‌هایی باشد که بر مدیریت منابع و مصارف،

مهمترین پروژه‌های اصلاحات در حوزه آزدسازی و مقررات‌زدایی در بخش بانکی که مقدمه‌ای برای پیوند با بانکداری بین‌المللی بشمار می‌آید، شامل موارد زیر است:

(۱) کاهش حاکمیت دولتی و تصدی‌گری مالی دولت در بخش بانکی.

(۲) افزایش انگیزه‌های رقابت و نوآوری در مدیران بانکها برای رقابتی‌کردن بانکهای دولتی و سهم‌کردن بخش خصوصی در فعالیت‌های بانکداری.

(۳) بهبود وضعیت مالی - عملیاتی بانکها و افزایش سطح سلامت بانکی از طریق جلوگیری از تقلیل مستمر سهم سرمایه در ترانزنامه، بهبود ساختارهای عملیاتی غیرکارآمد، تعدیل ذخیره‌گیری برای مطالبات معوق و سوخت‌شده و سرانجام، تعدیل هزینه‌های پرسنلی و اداری و سربار برای کاهش حاشیه سود (Spread) و یک‌نرخ‌کردن سود تسهیلات اعطایی.

(۴) کاهش اتکای دولت به منابع بانکها از نظر اعطای تسهیلات تکلیفی و فراهم‌آوردن امکان تخصیص بهینه منابع و اعتبارات بانکی براساس برآوردهای بازدهی.

(۵) اعاده اختیارات به بانک مرکزی و بازنگری رابطه دولت با بانک مرکزی، همراه با تامین استقلال سیاست‌های پولی از سیاست‌های مالی.

(۶) کاهش بوروکراسی و اصلاح ساختار جهت خصوصی‌سازی.

(۷) مشارکت با بانکداری خارجی بر مبنای قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی.

(۸) آزدسازی نسبی نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات.

(۹) استقلال ارکان بانکها با حفظ حقوق دولت.

(۱۰) ایجاد شفافیت، بازدهی و حسابدهی از طریق نظام

حسابرسی کارآمد و کاهش پنهانکاری‌ها و حساب‌سازی‌ها.

(۱۱) تدوین ضوابط و معیارهای حرفه‌ای برای انتخاب مدیران شایسته و تفویض مدیریت بانکی به بخش خصوصی.

(۱۲) متنوع‌کردن ابزارهای پولی، همراه با ارائه خدمات بانکی نوین.

(۱۳) اعطای آزادی عمل به بانکها و موسسات اعتباری بخش خصوصی، همراه با افزایش نظارت و نظارت‌پذیری و حسابدهی.

(۱۴) تامین سلامت و ثبات نظام بانکی از طریق دقت و بازبینی در انتخاب و انتصاب مدیران عامل و اعضای هیات‌مدیره بانکها.

(۱۵) و سرانجام، برداشتن نخستین و شاید مهمترین گام در این راه، یعنی اصلاح اساسنامه بانکهای دولتی و بازگشت به قانون تجارت براساس مصوبات قانون چهارم توسعه.

سردبیر

طبق قانون تجارت، مدیرعامل نمی‌تواند در عین حال رئیس هیات‌مدیره باشد، مگر با تصویب سه‌چهارم آرای حاضر در مجمع عمومی، در حالی که این استثنا در مورد بانکهای دولتی به یک قاعده تبدیل شده و عملاً تمامی مدیران عامل بانکهای دولتی در عین حال ریاست هیات‌مدیره همان بانکها را هم به‌عهده دارند.

فرایند اصلاحات بانکی باید از مرحله آزدسازی، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی شروع شود و به مرحله تجدیدساختار بینجامد.